

# آینده دنیا

(۳)

در مقاله قبل ضمن تشریح انقلابها و تحولات آینده کره زمین با بنجار سیدیم که بیش از دو نلت زمین را دریاها و اقیانوس‌ها فرا گرفته و همین دریاها ایجاد امکانات بسیاری برای حیات ما میکنند از قبیل تهیه مواد غذایی و تجملی و غیر اینها .

## اینک دنباله مطلب

بر واضح است که اینگونه استفاده‌ها در نتیجه یک سلسله شراطمی است که اکنون برای اقیانوس‌ها و دریاها فراهم است و از جمله ملامت بودن آب آنهاست اما باید بدانیم که آنها نیز جان سالم بدر نمیبرند بلکه در حالی که همه دست بهم داده اند بجز آنه‌های آب جوش مولنا کی مبدل خواهند شد و اذالیهجار فیحیرت (آیه ۳ سوره انفطار) یعنی و وقتی که دریاها بهم به پیوندند و اذالیهجار میحیرت (آیه ۶ - سوره تکویر) و چون دریاها آتشین شود .

در توضیح این موضوع که بطور دریاها بجهنم سوزانی تبدیل میشود دو نظریه داده شده :

۱ - علم «زمین‌شناسی» میگوید درون زمین همیشه جهنمی سوزان و آتشناست و هم اکنون مواد مایعی بحال غلیان در زیر این قشر ظاهری بسر میبرند و همین مواد است که احياناً بصورت آتشفشانی از زمین سر بیرون آورده و منطقه مجاور را زیر آتش خود میسوزاند ، در روز رستاخیز بر اثر یک سلسله انقلابها که برای زمین پیش میآید فاصله اعماق دریاها با آن محیط آتشنا برداشته میشود و آنها همه آبها بحال غلیان شدید در میآیند (۱) نظریه دوم این است که یازده‌های ستارگانی که هنوز خاموش نشده و در اثر اصطکاک از هم پاشیده میشوند و بدیام می‌ریزد و آبهارا بحال جوش و غلیان در می‌آورد .

(۱) طنطوای در تفسیر خود صرفاً بر همین موضوع تکیه نموده است ،

زمین کشیده میشود

قرآن کریم متن شرح خواندن آینه این موضوع را نیز تذکر داده که زمین کشیده میشود و ای الارض مهدت (آیه ۳ سوره انفاساق) در توضیح این موضوع نیز دو نظریه داده شده است یکی آنکه بر اثر از بین رفتن کوهها منتهی شدن جاهای آنها تمام زمین هموار شده و بحسب نظر سینه و منتهی بیشتر میشود ، نظریه دوم این است که زمین مانند پوستی که آنرا از اطراف بکشند کشیده میشود و در نتیجه وسیعتر و پهناتر میگردد و بدینا به همین کشت آنچه را در باطن دارد بیرون میآورد و الف ت مافیها و تخلت (آیه ۴ - سوره انفاساق) معدنها و گنجینههای بی مشتری

روشن است که قسمتی از زمین کنونی مرمون معدنها و قابل توجهی است که بشر با هزاران خون دل آنها را کشف و استخراج نموده هم اکنون قسمی از معدنها را در دست شب و روز جهان بیسانی میکند و با آنها کوهها را کاوش می کند تا شکار تازه ای بدست آورد ، مجدداً چه بسا معدنها که اکنون در اعماق زمین و دل کوهها آرمیده و دست دراز بشر از اندام بلند آنها هنوز کوتاه تر است اما امای این قهرمانان خالی که بگویند و در پیش است که هم معدنها بنسبت گنجینههای گرانها از دورترین اعماق زمین و اذ دل سرسخت ترین کوهها بیرون آمده بی مشتری روی زمین مطلق میمانند .

و آخر جبریت الارضی ائفالها (آیه ۲۰ - سوره زلزله) : و زمین متاعهای نفیس خود را بیرون اندازد (۱) و الف ت مافیها و تخلت (آیه ۴ - سوره انفاساق) بود (زمین) هر چه را در تنگم دارد بیمازاد و خالی شود .

جغرافیای طبیعی زمین و آسمان عوض میشود

میدانیم که در باها و درشتهای مرتفع کوهها و قله های شامخ آنها و مطلق بیستی و بلندبها در اوضاع جغرافیای طبیعی کنونی سهم بسزائی دارند همینطور شکل کنونی صفحه آسمان و آب و بگردش منظم اختران در مدارهای معین و ثابت است اما در روز و اسپین اوضاع عمومی دیگرگون شده و جغرافیای نوبنی بر سراسر زمین و آسمان حکومت میکند زمین ترو توند در آنروز بقدر اقتضای گرفتار شده و همه آموخته هایش از دست داده دیگره اقیانوس آرام داده و نه «ساخل» و «خلیج» و «جوزیره» و نه «دماغه» و «شبه جزیره» و «ترقه» دود دست ضما فله متبخر «اورست» را با «جلگه ها» و «دلتاها» و «دشتها» همه را از دستش بیرون خواهد برد .

(۱) طبق بعضی از تفاسیر خروج مردگان از گورها نیز منظور است .

آسمان هم بپاره تر از زمین شده زیرا عزیزی چون « اختران » و « آفتاب » و « ماهتاب » همرا از گت داده و پاتم آنها خواهد نشست ، اوه چه روزیهای !

اکنون این آیه هم انگیز را از لای بالای آیت قرآن مجید باز نشا کنید یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات (آیه ۴۸ - سوره انبیاء) روزی که زمین و آسمان بر زمین و آسمانی جز این مبدل شود !

لیذرهما قاعاً صفاً لا تری فیها عوجاً ولا مناً (آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ - سوره صه) : ( پروردگام زمین) را بقوت پهن و هموار در آورد بطوریکه در آن بیستی و بلندی نبینی فاذا انشقت السماء فكانت فردة کالدهان (آیه ۲۷ - سوره صه) : وقتی آسمان بشکافتد چون پوست فرور سرشگون باشد .

وجمع الشمس والقمر (آیه ۹۰ - سوره قیامت) آفتاب (بی نور) و ماهتاب (بی فروغ) کنار هم واقع شوند .

نام آنروز

آنروز حول انگیز که این انقلاب کبیر عالمگیر پیش تر اول آنت در روز استخیر روزگه است که بتعبیر قرآن «یوم القیامة» نامیده میشود . در آنروز تمام انسانها دیده میشوند تا به تاریخ کردهار پسندیده و بازشت خود برسند .

چهار روز خشت زانو عولفا گی ، در آنروز انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و پسرانش مجبور بود ، چهره هائی در آنروز روشن و خندان و شادان است در بعض چهره ها برده ای از تیرگی و سیاهی افتاده است ؛ (آیات ۳۴ تا ۳۶ و ۳۸ تا ۴۱) (سوره عبس) اینها سر نوشت جهان طبیعت از نظر «دین» و «علم امروز» است تا کی بشر کبیره سراز خواب غفلت

پوششگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
پرتال جامع علوم انسانی

شومنده در روی که عمل برخلاف کرد ؛ تا توفیق خدا در شماردهای آینه بحث زنده شدن مردگان را ملاحظه خواهیم نمود

(بقیه از صفحه ۶۴)

چرا در وسط سوره «نمل» بسم الله دیده میشود ؟

پاسخ

نظر بانگه سوده بر اینست چنانکه از مضامین آن پیدا است برای تهدید مشرکان و اعلان جنگ با پیمان شکنان و کسانی که با تمام قوا برای خاموش کردن نود توحید و یگانگی - برستی و اصلاحات اخلاقی و اجتماعی در جزیره العرب میگویند بوده است لذا مناسبتی با ذکر «بسم الله» که نشانه رحمت و صلح و صفا و دوستی است نداشته . و اما ذکر بسم الله در وسط سوره نمل در آغاز نامه ای است که سلیمان (ع) برای «ملکه سبا» نگاشته و چون در آن مضمون آن نامه تماماً نقل شده بسم الله هم که در آغاز آن نامه بوده بیان شده است .